

بحران مالی جهانی، چالشی پیش روی تحقیقات حسابداری

سید جعفر لاریمی، عضو انجمن حسابداری ایران

ابراهیم محسنی، مدرس موسسه غیر انتفاعی علامه محدث نوری (ره) و عضو انجمن حسابداری ایران

چکیده

رویه های حسابداری به شدت تحت تأثیر بحران مالی فعلی قرار گرفته و می تواند برای احیای موسسات مالی و پایایی نظام مالی جهانی، تأثیر عمده ای داشته باشد. این مقاله آن دسته از شکاف های روش شناختی و تئوری موجود در تحقیقات حسابداری را تجزیه تحلیل می کند که باعث ناتوانی محققان در پیش بینی بحران شده است و توانایی محققین را برای تجزیه تحلیل و پاسخگویی به بحران مالی را به این تحقیقات محدود می سازد. در این جا دو دلیل برای ناتوانی محققان حسابداری در پیش بینی بحران مطرح شده است، دلیل اول، اشاره به شکاف موجود میان دنیای تحقیقات دانشگاهی حسابداری و دنیای حسابداری عملی دارد. و دلیل دوم به ناتوانی محققان برای درک ارتباط میان حسابداری خرد و نهادهای نظارتی حسابداری، اقتصاد کلان، محیط سیاسی و محل به کار گیری حسابداری اشاره دارد.

واژه های کلیدی: رویه های حسابداری، بحران مالی، تحقیقات حسابداری، حسابداری عملی

در حالی که مقصر خواندن بانکداران و بهره‌پرداختی سرمایه‌گذاری، به عنوان عامل بحران مالی اخیر شمرده می‌شود، وخیم تر شدن بحران اقتصادی موجب بروز سوال‌های جدیدی درباره سیستم اقتصادی و موسسات زیربنایی آن شده است. جامعه دانشگاهی به عنوان یکی از این موسسات زیربنایی با این سوال روبه‌روست که چرا تفکر اقتصادی نئوکلاسیک به سیاست رایج در گفتمان آکادمیک تبدیل شده است و چرا بخش‌های تجاری و اقتصادی به جای اینکه کانون بحث‌های علمی و نقد اجتماعی باشند، از عقاید متعصب طرفداری می‌کنند. و نیز این سوال مطرح است که در سال‌های گذشته، همزمان با فروپاشی نظام مالی آمریکا، چه عاملی باعث شده تا محققان دانشگاهی نتوانند علائم ایجاد این بحران را شناسایی کنند.

شدت بحران مالی کنونی به حدی است که باید تمامی حوزه‌های دانشگاهی و اقتصادی، من جمله تحقیقات حسابداری، مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. در این مقاله به دلایلی اشاره می‌شود که باعث شد تحقیقات حسابداری نتواند در چهارچوب رویه‌های حسابداری، زمان وقوع بحران را پیش‌بینی کند. هدف این مقاله، شناسایی شکاف‌های میان روش‌شناسی و نظریه‌های تحقیقاتی به منظور تفسیر درست بحران، و درک نقش حسابداری در تلاش‌های رایج برای یافتن راه‌حلی مناسب برای این مشکل می‌باشد. در اینجا دو دلیل برای ناتوانی محققان حسابداری در پیش‌بینی بحران مطرح شده است، اولین دلیل که روش‌شناختی است، اشاره به شکاف موجود میان دنیای تحقیقات دانشگاهی حسابداری و دنیای حسابداری عملی دارد. و دلیل دوم که تئوریک می‌باشد، به ناتوانی محققین برای درک ارتباط میان حسابداری خرد و نهادهای نظارتی حسابداری، اقتصاد کلان، محیط سیاسی و محل به کارگیری

حسابداری، اشاره دارد. در پایان این مقاله نیز، پیشنهاد‌های تحقیقاتی ارائه می شود که هدف آن درک نقش حسابداری در بحران مالی می باشد.

ایجاد ارتباط بین تحقیقات دانشگاهی حسابداری و دنیای حسابداری عملی

دنیای رویه های حسابداری به چند طریق با بحران مالی کنونی در ارتباط است. آشکارترین رابطه مربوط به الزامات گزارش گری مالی حاکم بر ارزشیابی دارایی ها و ارقام خارج از ترازنامه است. اهمیت این قوانین حسابداری در ظاهر ساده، زمانی آشکار می شود که دریابیم انحلال، تصفیه و یا تداوم فعالیت موسسات مهم مالی در گرو چگونگی ارزیابی دارایی های بانکی توسط حسابداران و گستره لازم برای تلفیق نهادهای خارج از ترازنامه از نظر حسابرسان است. استانداردهای حسابداری ارزش منصفانه، که از شرکت ها می خواهد دارایی های مالی خود را بر حسب ارزش بازار در حال سقوط، گزارش کنند، موجب بحث های شدیدی شده است. منتقدان عقیده دارند حسابداری ارزش منصفانه در ابتدا منجر به توسعه اعتباری بیش از حد شده و سپس به واسطه ترویج ریسک پذیری موجب تشدید رکود اقتصادی شده است. مخالفان ارزش منصفانه که شامل طیف وسیعی از حرفه بانکداری نیز می شود، روی تدوین کنندگان استاندارد حسابداری فشار وارد می کنند تا استاندارد های ارزشیابی اصلاح شود، در حالی که طرفداران حسابداری ارزش منصفانه نیز با تعصب زیادی از لزوم اجرای آن برای آشکار کردن وسعت کامل زیان های بانکی دفاع می کنند.

موضوع دیگری که با وجود اهمیت بسیار زیاد، کمتر از ارزش منصفانه مورد توجه قرار گرفته است، قوانین و استانداردهای گزارش‌گری حاکم بر ابزارهای سرمایه‌گذاری ساختار یافته خارج از ترازنامه (SIV) است که شامل مقررات مربوط به بنگاه‌های با اهداف خاص (SPE)، بنگاه‌های مجاز با اهداف خاص (QSPE) و بنگاه‌هایی با سود متغیر می‌باشد. در دهه 1980، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری در آمریکا به بانک‌ها اجازه دادند که وام‌های تضمین شده و بدهی‌های مربوطه را از ترازنامه خود خارج و به دفاتر خاصی برای اقلام خارج از ترازنامه منتقل کنند. این قانون که به روشنی دارای نقص می‌باشد موجب شکل‌گیری "سیستم بانکداری در سایه" شد و از دهه 1980 چندین بار اصلاح شد، در حالی که نتیجه بی‌فایده بوده است و به این ترتیب عملیات بانکداری به خارج از ترازنامه منتقل می‌شد تا الزامی برای رعایت قوانین و استانداردهای حسابداری نباشد. این مسئله و چگونگی تغییر نسبت‌های سرمایه برای وادار کردن بانک‌ها به تلفیق اقلام خارج از ترازنامه، یک مسئله اساسی برای نهادهای حسابداری و قانونگذاری بوده است.

حسابداری علاوه بر گزارشگری مالی از جنبه‌های دیگری نیز در بحران نقش دارد، شرکت‌های مهم حسابداری در اروپا و آمریکا نیز به طور مستقیم در فرایند تأمین منابع مالی ساختاریافته و تضمین آن مشارکت داشتند. شرکت‌های مورد نظر در نقش مشاوران برای سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به مشاوره حسابداری و مالیاتی برای اقلام خارج از ترازنامه وارد عمل شدند و به تضمین هزاران میلیارد دلار اوراق رهنی با پشتوانه وام‌های مسکن (MBS) و تعهدات متقابل مالی تضمینی (CDO) کمک کردند. اگرچه بررسی میزان نقش شرکت‌های حسابداری در تولید بحران فعلی فراتر از مقاله حاضر است، یک مرور سطحی روی تبلیغات شرکت‌ها نشان می‌دهد که بخش‌های خدمات مشاوره‌ای آن‌ها نقش فعالی در تضمین بدهی‌ها در طی سال‌های منتهی به بحران داشته است.

موارد زیر گوشه هایی از خدمات تضمین بدهی است که توسط شرکت بین المللی حسابداری بیگ فور (Big Four) ارائه شده است :

- از سال 1985 به بعد ، متخصصان امور مالی شرکت آمریکایی دلویت و تچ (Deloitte & Touche USA) در بیش از 14000 مورد تضمین به ارزش کلی بیش از 5000 میلیارد دلار مشارکت داشته اند. این امر با خدمت به مشتریان معتبر در بازارهای مالی داخلی و بین المللی انواع محصولات و سیستم های کارآمد در مدل سازی مالی، تحلیل ، فناوری ، عملیات، رسیدگی دقیق، حسابداری و مالیات ارائه شده است .
- در سال گذشته موسسه حسابرسی کوپرز(PWC) و گروه معاملات ساختاریافته (SFG) در معاملات تضمین بدهی به ارزش میلیاردها دلار مشارکت داشته اند. آنها قادر می باشند انواع خدمات تضمین بدهی از قبیل تعیین ساختار معاملات ، رسیدگی دقیق، ارزشیابی دارایی ، مدل سازی ، مشاوره عملیاتی، تحلیل مالیاتی و حسابداری ، گزارشگری مالیاتی و توسعه فناوری ، نگهداری و پیاده سازی را ارائه کنند.

تحقیقات حسابداری با دنیای جدید روش های حسابداری همگام نبوده است. در حالی که حسابداران حرفه ای در طرح های تضمین بدهی که عامل ایجاد بحران بود نقش فعالی داشتند و محققان حسابداری عموماً از فعالیت های آن ها یا مشکلات در حال ظهور در بازارهای اعتباری و سیستم بانکداری در سایه بی اطلاع بودند. نشریات معتبر حسابداری توجه خاصی به خطرات سرمایه گذاری ساختار یافته ، تضمین بدهی و اقلام خارج از ترانزنامه نداشتند تا اینکه در سال 2008 وقوع بحران اعتباری را حس کردند. پس از گذشت ده سال از شکل گیری بحران یعنی از سال 1998 تا 2007 ، فقط در سه سال گذشته بود که

مقالاتی با موضوعات مورد نظر منتشر شده است. اگر چه در اواسط دهه 1990 برخی مطالعات درباره حسابداری ارزش منصفانه را می توان در بدنه اصلی تحقیقات حسابداری مشاهده نمود، ولی این تحقیقات عمدتاً به ارزیابی اطلاعات حاصل از حسابداری ارزش منصفانه در بازارهای سرمایه پرداخته اند و توجه خاصی به پیامدهای آن در حوزه اقتصاد کلان نداشتند، تحقیقات دانشگاهی حسابداری، به جز چند استثناء نتوانست وقوع بحران مالی را پیش بینی کند و یا انتقاد جدی به نقش حسابداری در ناپایداری مالی و یا مشارکت شرکت های حسابداری در تضمین بدهی ها و تأمین منابع مالی ساختار یافته وارد کند.

به عقیده برخی محققین حسابداری، سیستم بانکداری در سایه خیلی مبهم بوده است و به دلیل این که آن ها اطلاعات کافی در اختیار ندارند، نمی توانند در این باره تحقیق کنند. طبق این دیدگاه باید دستورالعمل و لیست موضوعات مورد تحقیق محدود باشد و به واسطه اطلاعات و داده های موجود تعیین شود. این دیدگاه به هیچ وجه قابل قبول نمی باشد و به جای آن باید با یک تلاش دوچندان به دنبال حل مشکل روش شناختی و یافتن روش هایی برای ورود و شناسایی دنیای حسابداری عملی بود.

برخی از مهمترین جنبه های اجتماعی حسابداری دقیقاً همان بخش هایی هستند که دشواری دسترسی به اطلاعات، موجب شکل گیری یک فضای مبهم در تحقیقات آکادمیک شده است. در این بخش شاهد موضوعاتی مثل فرار از مالیات، پولشویی، قیمت گذاری انتقالات داخلی، فعالیت های مالی خارج از ترازنامه، و سیاست تدوین استانداردهای حسابداری هستیم. هر چند رفع شکاف میان تحقیقات حسابداری و دنیای حسابداری عملی دشوار است، ولی انجام این کار بسیار ضروری می باشد.

در حوزه حسابداری مدیریت نیز پیشرفت هایی را می توان مشاهده نمود چون که تلاش هایی برای درک حسابداری عملی در سازمان ها، از طریق مطالعات موردی و روش شناسی های تحقیقات جمعیت شناختی صورت گرفته است. یکی از مهم ترین چالش های بحران کنونی برای تحقیقات حسابداری این است که باید وابستگی تحقیقات حسابداری به بانک های اطلاعاتی کمی کاهش یابد و ابزارهای روش شناختی، دانش سازمانی و پیوندهای به دنیای بیرونی ایجاد شود تا بتوان شکاف میان تحقیقات آکادمیک و دنیای حسابداری عملی را بر طرف نمود.

رابطه حسابداری با اقتصاد کلان سیاسی

پیوندهای میان نهاد های نظارتی و حسابداری در سطح خرد با اقتصاد کلان را باید یکی دیگر از پیامدهای بحران برای تحقیقات عملی دانست. در حوزه روش های حسابداری می توان این مسئله را به وضوح در مباحث مربوط به تأثیر حسابداری ارزش منصفانه روی اقتصاد و در اعمال فشار روی تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری، برای توجه به لزوم قرار گیری پایداری مالی جزو اهداف گزارش گری مالی مشاهده نمود. برخی از محققین حسابداری نظیر ژولس ماسیس (Jules Musis) در تحقیقی که در سال 2008 منتشر کرده است پیشنهاد نمود که شرکت های حسابداری ملزم شوند هر نوع ریسک سیستماتیکی را که هنگام فعالیت مشاهده کرده اند و احتمال می دهند در عملکرد منظم بازارهای مالی اخلاص ایجاد کند را گزارش نمایند.

این خطر وجود دارد که تحقیقات در زمینه فوق با دنیای روش های حسابداری همگام نشود، چون بدنه اصلی تحقیقات حسابداری هنوز نتوانسته است توانایی تئوری لازم برای تحلیل و تفسیر رابطه میان حسابداری و محیط کلان سیاسی و محیط اقتصادی محل فعالیت حسابداری را به دست آورد.

رویکرد رایج تحقیقات حسابداری هنوز هم گرفتار نظریه اقتصاد نئوکلاسیک است و این دیدگاه از حسابداری به عنوان یک فناوری خنثی عمل می کند، که وظیفه آن کاهش عدم تقارن اطلاعات و تأمین شفافیت اطلاعاتی لازم برای عملکرد کارآمد بازارهای سرمایه می باشد. بحران کنونی، اعتبار نظریه بازار و ایده های زیر بنایی نظریه حسابداری را به چالش کشیده است. اگر بپذیریم در بازارهای سرمایه به درستی دارایی ها مالی قیمت گذاری نمی شوند، در این صورت این سوال مطرح است که تأثیری اقتصادی حسابداری ارزش منصفانه چه خواهد بود؟ و این که نقش حسابداری در حفظ پایداری مالی چیست؟ نظریه های معمول و رایج در جامعه حسابداری هیچ پاسخی برای این پرسش ها ندارد و فقط معتقد است که افزایش شفافیت به طریقی موجب بازگشت اطمینان به بازارهای مالی می شود و آن ها را قادر می سازد، یکبار دیگر عملکرد کارآمدی داشته باشند.

اقتصاد سیاسی یک چشم انداز نظری جایگزین برای درک پیوند های میان حسابداری در سطح خرد و اقتصاد کلان پیشنهاد می کند. در دهه 1980 شاخه جدیدی از تحقیقات انتقادی حسابداری بر مبنای نظریه های اقتصاد سیاسی در حوزه تحقیقات میان رشته ای حسابداری به وجود آمد. رویکرد اقتصاد سیاسی تحت تاثیر مستقیم یا غیر مستقیم اندیشه مارکسیستی، به نقد این دیدگاه پرداخت که حسابداری یک فناوری خنثی و عینی برای بهبود کارایی بازارها می باشد و در عین حال نیز اعلام نمود که حسابداری روشی برای توزیع ثروت میان طبقات اجتماعی است. طبق این دیدگاه، حسابداری رابطه متقابلی با روابط قدرت در اقتصاد سیاسی محل به کارگیری حسابداری دارد که روی این روابط تاثیر می گذارد و متقابلاً از آن نیز تاثیر می پذیرد. بنابراین حسابداری اساساً سیاسی بوده است و سیاست های حسابداری نیز تحت تاثیر نخبگان حاکم در جامعه و ایدئولوژی های رایج می باشد، و به این ترتیب روش های حسابداری نیز روی توزیع در آمد، ثروت و قدرت در جامعه تأثیر می گذارد.

مطالعات مربوط به اقتصاد سیاسی حسابداری، توسعه تاریخی روش های حسابداری را بررسی می کند و می کوشد فرایندهای اثر گذاری آن ها روی تعارضات اجتماعی و انتقال و توزیع قدرت در جوامع سرمایه داری را ارزیابی کند. در این فرایند یک سری مبانی تئوری برای درک رابطه میان حسابداری و گسترش سرمایه داری در مقاطع مختلف تاریخی ارائه شده است. در این مطالعات از نظریه دولت ها نیز برای درک نقش دولت در جامعه سرمایه داری و تحلیل نقش حسابداری در تعامل میان سیاست دولتی و اقتصاد بازار استفاده شده است. و هم چنین از مفهوم ایدئولوژی اقتصاد سیاسی، که از آن به عنوان "ایده های تحت خدمت قدرت" یاد می شود، برای ارزیابی نقش روش های حسابداری و تحقیقات حسابداری در مشروعیت بخشی به روابط قدرت موجود و انتقال ثروت با کمک روش های در ظاهر خنثی و عینی استفاده می شود.

اگرچه اقتصاد سیاسی به عنوان جریانی از تحقیقات انتقادی حسابداری تداوم یافت، ولی رواج نظریه های پست مدرن و پسا ساختار گرایانه در علوم اجتماعی و علوم انسانی در دهه 1990 باعث شد که تاثیر آن کمتر از واقع تصور شود و در دیدگاه ساختارگرایی، حسابداری انتقادی به عنوان یک روش اصلاحی برای جبرگرایی اقتصادی و کارکردگرایی موجود در اقتصاد نئوکلاسیک و مارکسیستی شناخته شده است. این دیدگاه یک تحلیل اجتماعی دارد که روی انتشار قدرت فناوری های خرد، مثل روش های حسابداری، در مقابل ساختارهای قدرت کلان سیاسی و اقتصادی تمرکز دارد. در عین حال نظریه خرد - سازمانی، که روی روش های تلفیق اجتماعی حسابداری در هنجارهای فرهنگی، مولفه های شناختی و فرضیات بدیهی تأکید می کند نیز طرفداران زیادی در حوزه حسابداری انتقادی پیدا کرده است. اگر چه ساختارگرایی و خرد سازمان گرایی بی تردید نقش مهمی در مطالعات حسابداری داشته اند، در هر دو مکتب شاهد چرخش از تحلیل سیاست و اقتصاد، به سوی ارائه توصیفات فرهنگی از نقش

حسابداری در سازمان ها و جامعه بوده ایم. شکست تحقیقات حسابداری برای پیش بینی بحران ، رشد سیستم بانکداری در سایه و ناپایداری اقتصاد کلان را می توان تا حدودی به این چرخش فرهنگی از اقتصاد سیاسی و نقد سرمایه داری آن مرتبط دانست.

دلایل متعددی برای چشم پوشی از تحقیقات انتقادی برخاسته از اقتصاد سیاسی وجود دارد، به عنوان مثال، می توان دشواری و نیز حراس از تجمع محققان انتقادی در ساز و کارهای دانشکده های اقتصاد به ویژه در امریکا و سایر کشورها را ذکر کرد . برای افرادی که قادر به انجام تحقیقات انتقادی هستند ، حضور و فعالیت در مقطع دکتری تخصصی در امریکا دشوار است زیرا عرصه های دانشگاهی این کشور تمایل زیادی به مطالعات انتقادی ندارند. در سایر کشورها که مجال بیشتری برای رویکردهایی غیر از تفکر اثبات گرایی وجود دارد نیز شاهد این هستیم که تقسیمات نظری درون جامعه تحقیقات انتقادی حسابداری ، باعث شکل گیری مشاجرات و بحث های متضادی شده است که از توسعه همه جانبه این حوزه جلوگیری می کند. در نهایت ، مشوق های سازمانی برای محققان حسابداری ، مانند واگذاری سمت ، سیستم ترفیع و رتبه بندی دانشگاهی که محققان حسابداری با آن روبه رو بودند، می تواند نقش اساسی را در تحقیقات حسابداری بازی کند. و آن ها به جای تاکید بر نظریه ها و ایده ها، روی مقالات تاثیرگذار تکیه داشتند و همین مشوق ها موجب همسویی با هنجارهای محافظه کارانه شده و مانع از پذیرش ریسک لازم برای فعالیت در حوزه نقد اجتماعی گردید.

محققان حسابداری امیدوار هستند که بحران مالی موجب احیای دوباره نوعی تحقیقات حسابداری شود که هدف آن درک روابط میان روش حسابداری و محیط کلان سیاسی و اقتصادی محل فعالیت آن باشد. خوشبختانه تعداد بسیاری از اقتصاددانان سیاسی و نویسندگان اقتصادی سوابق تحقیقاتی کاملی از خود به

جا گذاشته اند که به کمک آن ها می توانیم عوامل بنیادی بحران مالی را شناسایی کنیم. اگر چه اندیشه مارکس هنوز هم سنگ بنای اقتصاد سیاسی است، حوزه تئوری برای نقش حسابداری در اقتصاد سیاسی را می توان کلی تر تعریف نمود تا هر نوع چهارچوب اقتصادی نئوکلاسیک برای درک اقتصاد و رابطه حسابداری با آن را دربرگیرد. چهارچوب های مختلف اجتماعی - اقتصادی مثل جامعه شناسی اقتصادی و تئوری تنظیم (regulation) نیز یک مبنای نظری برای تحقیقات حسابداری فراهم می کند که بوسیله آن می توان رابطه میان حسابداری و اقتصاد کلان سیاسی را تحلیل نمود.

تحلیل رابطه حسابداری و بحران مالی از منظر اقتصاد سیاسی

در مطالعات مربوط به تحول اقتصاد آمریکا در انتهای قرن بیستم، ریشه های بحران در رکود اقتصادی دهه 1970، ناشی از افزایش شدید تولید جهانی و کاهش نرخ سود، بیان می شود. آمریکا در پاسخ به کاهش سود در اقتصاد واقعی، مجموعه ای سیاست های پولی، مالی، قانونی و تجاری را برای افزایش رشد و توسعه بخش مالی به کار گرفت. این تغییر، که موجب افزایش سرمایه مالی و تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی در بخش مالی شد، را معمولاً تحت عنوان «مالی شدن» می شناسند. پدیده مالی شدن توانست مشکل تولید بیش از اندازه را به طور موقتی حل کند. سودآوری در اواسط دهه 1990 به حالت مطلوب بازگشت ولی " بورس بازی " موجب ناپایداری سود شده و حباب های مالی پی در پی ابتدا در بازار سهام و پس از آن در مسکن و بازار اعتباری به وجود آمد. وقوع این تحول در اقتصاد کلان سیاسی چند پرسش برای تحقیقات حسابداری به همراه آورد که در ادامه در بیان درک رابطه حسابداری با بحران مالی به آن خواهیم پرداخت. با توجه به مفاهیم اریه شده می توان سه مسیر بالقوه را برای تحقیقات حسابداری متصور شد.

مسیر اول: سیاست تدوین استانداردها

مطالعات بیشتری لازم است تا تأثیر متقابل مالی شدن اقتصاد و شکل گیری استانداردهای گزارشگری مالی روی یکدیگر ارزیابی شود. با انجام این مطالعات مشخص می شود که چه ارتباطی میان استاندارد های گزارشگری مالی و افزایش قدرت و تأثیر گذاری بخش مالی وجود دارد و این که آیا استانداردهای حسابداری مالی تأثیری روی استراتژی و ساختار حرفه خدمات مالی داشته است؟ و نیز این حرفه تا چه میزان روی فرآیند تدوین استانداردها توسط هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB) و هیات بین المللی استانداردهای حسابداری (IASB) تأثیر گذاشته است؟ آیا تسلط حوزه امور مالی روی سرمایه صنعتی می تواند حرکت به سوی حسابداری ارزش منصفانه و کنار گذاشتن مدل اندازه گیری درآمد و استفاده از رویکرد ارزشیابی ترازنامه در حسابداری مالی را توضیح دهد؟ و این که چرا تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری آمریکا به بانک ها اجازه دادند در دهه 1980 عملیات بانکی را از ترازنامه های خود خارج کنند؟

در حال حاضر، اطلاعات محدودی درباره سیاست تدوین استانداردها، روابط قدرت نهفته در آن، و مکانیسم های اعمال قدرت در فرآیند تدوین استانداردهای حسابداری در اختیار است. چنانکه Hopwood (1994) اشاره می کند، علی رغم دیدگاه رایج که می گوید، تدوین استانداردهای بین المللی مبتنی بر نیازهای بازارهای سرمایه است، تأثیر کاربران صورت های مالی در تدوین استاندارد ها به خوبی بررسی نشده است و حضور کاربران در حوزه سیاست گذاری حسابداری بیشتر جنبه کلامی دارد تا این که جنبه واقعی داشته باشد. در واقع، حرفه حسابرسی و حامیان آن ها به مراتب بیش از منافع بازار سرمایه و نهادهای قانونی روی سیاست حسابداری تأثیر می گذارند. وجود این تناقض بین توری و عمل،

حاکی از یک شکاف مهم در دانسته های محققین و جامعه حسابداری درباره سیاست تدوین استانداردهاست.

رویکرد اقتصاد سیاسی محققین را وادار می کند که ماورای نظریه های رایج، گروه های ذینفع را نگاه کرده و ساختار قدرت درون جامعه و مسیرهای ظریف فعالیت قدرت را ارزیابی کند. با توجه به مسیر مورد اشاره پرسش هایی نظیر این مطرح است که آیا بخش مالی تأثیر مستقیمی روی تدوین استانداردها دارد و یا اینکه به طور غیر مستقیم از طریق کنترل دولت و دستگاه های قانونگذاری دولتی عمل می کند. و قدرت تا چه میزان از طریق تسلط ایدئولوژیک عمل می کند؟ یعنی اعتقاد به این که وظیفه اصلی حسابداری خدمت به بازارهای مالی است چقدر قابل قبول است؟ و این که آیا "تفکر سازمانی" می تواند توضیح دهد چرا تدوین کنندگان استاندارد، حسابداری ارزش منصفانه را برای ابزارهای مالی پذیرفتند و توجهی به پیامدهای اقتصاد کلان تولید محصولات مالی پیچیده، نامنظم و خطرناک نکردند؟ و یا، آیا قدرت اقتصادی، خودش را به شکل واضح تری در فرآیند تدوین استانداردها منعکس می کند؟ برای روشن شدن پاسخ این پرسش ها لازم است تحقیقاتی انجام شود که تاریخ سیاسی استانداردهای گزارشگری مالی در حسابداری ارزش منصفانه و عناصر خارج از ترازنامه و همچنین فشارهای کنونی روی نهادهای استاندارد ساز برای بازنگری در قوانین مذکور به خاطر بحران مالی را مورد ارزیابی و تحلیل قرار دهد.

مسیر دوم: نقش شرکت های حسابداری

محققان حسابداری باید تحقیقاتی انجام دهند که نقش شرکت های حسابداری مهم در منشاء بحران مالی را ارزیابی کنند. مالی سازی اقتصاد در بیست و پنج سال گذشته موجب پیدایش بازارهای سودآوری نه تنها برای بانک ها و سایر واسطه های مالی بلکه برای شرکت های حسابداری مهم شده است. در بیست سال گذشته، قدرت اقتصادی و سیاسی در حرفه حسابداری بین المللی در دست چند شرکت آمریکایی و انگلیسی بود. با توسعه شرکت بیگ فور، آن ها فراتر از خدمات سنتی حسابداری و حسابرسی گام برداشته و خود را به عنوان ارائه دهنده کلیه خدمات مالی مطرح نمودند. آن ها واحدهای مشاوره مالی خود را گسترش دادند و تبلیغاتی وسیعی در حوزه ارائه خدمات تخصصی برای ادغام و تلفیق، تجدید سازمان، مشاوره مالیاتی و همچنین مشاوره خصوصی سازی انجام دادند. این شرکت ها به حوزه تضمین بدهی و سرمایه گذاری ساختار یافته نیز وارد شده و انواع خدمات تضمین بدهی را به مشتریان در بانکداری سرمایه گذاری عرضه نمودند.

اگر چه قانونسارینز-اکسلی (Sarbanes-Oxley)، مصوب 2002، در آمریکا و قوانین مشابه در سایر کشورها، شرکت های حسابداری را از فروش برخی خدمات مشاوره به مشتریان حسابرسی منع کرد، ولی شرکت های بزرگ مشاوره مالی هنوز هم فعالیت وسیعی را انجام می دهند. مشاوره مالیاتی و برخی خدمات مشاوره ای هنوز هم برای مشتریان حسابرسی قابل اجراست و ارائه خدمات به مشتریان غیر حسابرسی هم ممنوعیتی ندارد. در نتیجه، گروه کوچکی از شرکت های حسابداری هنوز هم به فعالیت همزمان به عنوان حسابرس و مشاور به حرفه بانکداری خدمات ارائه می دهند. این شرکت ها به عنوان حسابرس، یک نقش شبه قانونی به عنوان ناظر دارند و باید اشخاص ثالث را مطمئن کنند که صورتهای مالی، تصویر درست و منصفانه ای از وضعیت مالی بانک منعکس می کنند.

به نظر می‌رسد که شرکت‌های مورد اشاره به حرفه خدمات مالی کمک کرده‌اند که ابزارهای سرمایه‌گذاری‌شان را به نحوی طراحی و ساختار بندی کنند که بتوانند آن‌ها را به خارج از ترازنامه منتقل نمایند یعنی کمک کرده‌اند که صورت‌های مالی بانک‌ها تصویر کاملی از ریسک و اهرم موجود در سیستم مالی ارائه نکنند. در این بین باید تحقیقاتی انجام شود که میزان دخالت و نقش شرکت‌های حسابداری در فرآیند تضمین بدهی‌های خطرناک و رواج عملیات خارج از ترازنامه را ارزیابی کند. اما سوال اینجاست که ماهیت خدمات رسیدگی دقیق به حسابها، مشاوره مالیاتی، مدلسازی، ارزشیابی و خدمات حسابداری که این شرکت‌ها به مشتریان بانکی خود ارائه می‌کنند، چیست؟ آیا حساب‌برسان از ریسک سیستماتیک موجود در سیستم بانکداری آگاه بوده‌اند؟ و آیا شرکت‌های مهم حسابداری به واسطه نقش‌شان در تضمین بدهی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های ساختار یافته، مسئولیتی در بحران مالی دارند؟

مسیر سوم: شفافیت در بازارهای سرمایه

در این مسیر باید تحقیقاتی انجام شود که ریشه‌های ایدئولوژیک مفهوم "شفافیت" و نقش آن در سیستم مالی پیچیده و متنوع امروزی را ارزیابی کند. این ایده که بازارها به صورت کارآمدی نسبت به تخصیص سرمایه و ریسک در شرایط رقابت کامل و اطلاع‌رسانی کامل اقدام می‌کنند، از نظریه اقتصادی نئوکلاسیک ریشه می‌گیرد. طبق این دیدگاه، حسابداری مالی و حسابرسی یک نقش اساسی دارند و باید این اطمینان را ایجاد کنند که اطلاعات مرتبط و قابل اتکا برای سرمایه‌گذاران افشا می‌شود. این یک استدلال نظری است، اما سوال اینجاست که ریشه‌های واقعی تاریخی و سیاسی نقش شبه قانونی‌ای که گزارشگری مالی و حسابرسی در اداره بازارهای سرمایه دارد، کجاست؟

در مطالعه قوانین آمریکا برای تأسیس بورس اوراق بهادار آمریکا (SEC) و الزامات افشای مالی آن در دهه 1930، این نتیجه به دست آمد که الزامات گزارشگری مالی و حسابرسی یک نقش ایدئولوژیک مهم برای احیای بازار سهام آمریکا پس از ورشکستگی سال 1929 داشته است. در این بین این سوال مطرح است که این الزامات چقدر ادامه یافته و در حال حاضر به کار گرفته می شود؟ آیا حسابداری مالی توانسته است وظیفه ایجاد شفافیت در بازارهای سرمایه را به عهده گیرد؟ با توجه به شرایطی که اقتصاد دهه 1990 و 2000 به شدت مالی بوده و ترکیبی از ابتکارهای مالی کنترل نشده، ابزارهای مالی پیچیده، قانون زدایی، آشفتگی های اخلاقی و همچنین تلفیق قدرت اقتصادی و سیاسی در بخش مالی، سیستم مالی را به شدت غیر قابل اداره کرده بود؟ اگر پاسخ به چند سوال فوق منفی است هنوز هم می توان به جای تجدید آرایش قدرت سیاسی و اقتصادی، بهبود شفافیت را یک راه حل بحران تصور کرد.

اقتصاد مالی شده، ذاتاً یک اقتصاد ناپایدار است و این مسئله به خوبی در مجموعه بحران های دهه 1990- مثل بحران پرویز مکزیک، بحران مالی آسیا، بحران بدهی های روسیه و سقوط صندوق های بیمه ای آمریکا دیده می شود. این وقایع به خوبی شکنندگی سیستم مالی بین المللی و نیاز به کنترل های سرمایه و یا یک چهارچوب قانونی قوی تر برای اداره بخش مالی و کاهش ریسک سیستماتیک را نشان می دهد. پس از بحران مالی آسیا، پیشنهاداتی برای تأسیس یک نهاد جهانی تنظیم مالی، یک دادگاه بین المللی ورشکستگی، بیمه سپرده گذاری بین المللی، و حتی یک بانک مرکزی جهانی ارائه شد. این "ساختار مالی بین المللی" جدید هرگز تشکیل نشد. در عوض، دولت های غربی یک نظام اداره ضعیف تر را انتخاب کردند که به نفع بخش مالی بود و گزارشگری مالی و حسابرسی نقش مهمی در آن دارا بوده است. این نظام - که "سیستم رعایت و نظارت بر استانداردها" نامید شد، متکی بر روش های به نسبت ضعیف برای نظارت و کنترل، یعنی، شفافیت و رعایت استانداردهای مالی بین المللی شامل استانداردهای

گزارشگری مالی و حسابرسی، بوده است و از این طریق می‌کوشد که مشکل ریسک سیستماتیک موجود در سیستم مالی جهانی را حل کند. باید تحقیقات بیشتری انجام شود تا فرآیندهای سیاسی و روابط قدرت که مانع از شکل‌گیری ساز و کارهای قوی‌تر برای اداره بخش مالی شده و در عوض روی مؤسسات بخش خصوصی، مثل هیات‌های استانداردهای حسابداری، شرکت‌های حسابداری و مؤسسات رتبه‌بندی سهام، برای ایفای نقش شبه قانونی و اداره بازارهای مالی تکیه نمودند، درک و شناسایی شود. با توجه به مطالب فوق این سوال مطرح است که، این تصور که استانداردهای گزارشگری مالی و بررسی‌های حسابرسی می‌تواند جایگزین نظارت دقیق و یا اعمال محدودیت روی جا به جایی سرمایه شود، در پیدایش بحران فعلی نقش داشته است؟ اعتماد نادرست به توانایی حسابداری برای حفظ شفافیت در بازارهای سرمایه خود تنظیم، تا چه میزان در ناپایداری سیستماتیک، از طریق حمایت ایدئولوژیک برای سطوح خطرناکی از لیبراسیون مالی جهانی و قانون زدایی ملی در دهه 1990 و دهه 2000- نقش داشته است؟

نتیجه گیری

در تحقیقاتی که پیرامون اقتصاد سیاسی حسابداری انجام می‌شود محققان حسابداری باید "قاعده مند، توصیفی و انتقادی" باشند. و نیز باید آن‌ها را تشویق کرد که در قضاوت‌های قاعده‌ای خود صریح باشند و "حسابداری عملی" را توضیح و تفسیر کنند و در مواجهه با ماهیت سیاسی و اجتماعی روش‌های حسابداری، رویکردهای انتقادی داشته باشند. به طور کلی، تحقیقات حسابداری مالی به شیوه‌های کاملاً متفاوتی گسترش یافته است و هیچ صراحتی درباره قضاوت‌های ارزشی که سنگ بنای نظریه‌ها و دستورالعمل‌های تحقیقاتی می‌باشد، وجود ندارد. محققین حسابداری کاملاً به بانک‌های اطلاعاتی کمی وابسته شده و نتوانسته‌اند تحولات دنیای روش‌های حسابداری را درک کرده و یا نقش

استانداردهای گزارشگری مالی، شرکتهای حسابداری و ایدئولوژی های حسابداری را در شکل گیری بحران توضیح دهند. نظریه های رایج در حسابداری نتوانسته مبانی کافی برای درک تحولات اقتصاد سیاسی بین المللی طی بیست و پنج سال گذشته و یا تحلیل رابطه میان تغییرات کلان، مثل افزایش قدرت در بخش مالی، و تغییرات خرد روش های حسابداری مالی را فراهم کند. و در این بین مشخص است که محققین حسابداری نتوانسته اند فرهنگ انتقاد گسترده ای را در میان جامعه دانشگاهی به عنوان یکی از پایگاه های مهم تحقیقاتی توسعه دهند.

ضعف های مورد اشاره نه تنها شکست در پیش بینی بحران مالی اخیر را توضیح می دهد، بلکه عدم توانایی کافی برای تحلیل، تفسیر و پاسخگویی به این بحران را نیز محدود می کنند. محققان حسابداری باید از دانش موجود درباره مؤسسات حسابداری، پیچیدگی های استاندارد های حسابداری، و ماهیت اجتماعی و سیاسی روش های حسابداری استفاده کنند و توضیح دهند که چطور روش های در ظاهر خنثی حسابداری، موجب تسهیل در انتقال گسترده ثروت و ظهور این بحران مالی شده است. بنابراین، بحران مالی جهانی اخیر محققین را وادار می کند تا دیدگاههای تحقیقاتی خود را مورد بازنگری قرار دهند، تا تحقیقات حسابداری بتواند تحلیل اجتماعی و سیاسی وسیع تری از بحران مالی ارائه نمایند که با استفاده از این تحلیل ها از وقوع بحران های مالی، نظیر بحران اخیر جلوگیری کرد.

1. Ahmed, Ehsan, Roger Koppl, J. Barkley Rosser, Jr., Mark V. White. "Complex Bubble Persistence in Closed-End Country Funds." *Journal of Economic Behavior and Organization* 32, 1 (1997): 19-37 (Ahmed et al, 1997).
2. Blanchard, Olivier J., Mark W. Watson. "Bubbles, Rational Expectations, and Financial Markets." In *Crises in the Economic and Financial Structure*, edited by P. Wachtel, 295-315. Lexington: Lexington Books, 1982 (Blanchard and Watson, 1982).
3. Brock, William A., Cars H. Hommes. "A Rational Route to Randomness." *Econometrica* 65, 5 (1997): 1059-1095 (Brock and Hommes, 1997).
4. DeLong, J. Bradford, Andrei Shleifer, Lawrence H. Summers, Robert J. Waldman. "Positive Feedback Investment Strategies and Destabilizing Rational Speculation." *Journal of Finance* 45, 2 (1990): 379-395 (DeLong et al, 1990).
5. Ferraira, Fernando, Joseph Gyourko. "Neighborhood Housing Booms." Mimeo, University of Pennsylvania, Presented at American Economic Association, Chicago, 2012 (Ferraira and Gyourko, 2012).
6. Galbraith, John Kenneth. *The Great Crash*. Boston: Houghton Mifflin, 1999 (Galbraith, 1999).
7. Gallegati, Mauro, Antonio Palestrini, J. Barkley Rosser, Jr. "The Period of Financial Distress in Speculative Markets: Interacting Heterogeneous Agents and Financial Constraints." *Macroeconomic Dynamics* 15, 1 (2011): 60-79 (Gallegati et al, 2011).
8. Jiang, Zhu-Qiang, Wei-Xing Zhou, Didier Sornette, Ryan Woodard, Ken Bastiaensen, Peter Cauwells. "Bubble Diagnosis and Prediction of the 2005-2007 and 2008-2009 Chinese Stock Market Bubbles." *Journal of Economic Behavior and Organization* 74, 3 (2011): 149-162 (Jiang et al, 2011).

9. Kindleberger, Charles P. *Manias, Panics, and Crashes: A History of Financial Crisis*, 1st edition. New York: Basic Books, 1978 (Kindleberger, 1978).
10. Kindleberger, Charles P. *Manias, Panics, and Crashes: A History of Financial Crisis*, 4th edition. New York: John Wiley & Sons, 2012 (Kindleberger, 2012).
11. Minsky, Hyman P. "Financial Instability Revisited: The Economics of Disaster." *Reappraisal of the Federal Reserve Discount Mechanism* 3 (1972): 97-136 (Minsky, 1972).
12. Minsky, Hyman P. "The Financial Instability Hypothesis: Capitalistic Processes and the Behavior of the Economy." In *Financial Crises: Theory* 2013..
13. Pellizzari, Paolo, Frank Westerhoff. "Some Effects of Transaction Taxes under Different Microstructures." *Journal of Economic Behavior and Organization* 72, 3 (2009): 850-863 (Pellizzari and Westerhoff, 2009).
14. Rosser, J. Barkley, Jr. *From Catastrophe to Chaos: A General Theory of Economic Discontinuities*. Boston: Kluwer, 1991 (Rosser, 1991).
15. Rosser, J. Barkley, Jr. "Speculations on Nonlinear Speculative Bubbles." *Nonlinear Dynamics, Psychology, and Life Sciences* 1, 4 (1997): 275-300 (Rosser, 1997).
16. Shiller, Robert J. *Irrational Exuberance*, 2nd edition. Princeton: Princeton University Press, 2005 (Shiller, 2005).
17. Tobin, James. "A Proposal for International Monetary Reform." *Eastern Economic Journal* 4, 3-4 (1978): 153-159 (Tobin, 1978).

